

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته

بحث در این مسئله است که کسی از دیگری دینی را طلب دارد و هنوز وقت اداء دین نرسیده و دائن نمی‌داند که اگر به مدیون مراجعه کند آیا مدیون بذل می‌کند یا خیر؟ در گذشته پیرامون فحص در شبهات موضوعیه، اقوالی ذکر کردیم. نکته‌ای را باید درباره فحص در موضوعات دنبال کنیم و آن این که فحص از چند طریق صورت می‌گیرد؟

صور فحص در مسئله

فحص در مورد این مسئله از چند طریق ممکن است صورت گیرد:

1. راه اول آن که دائن از کسانی که با این مدیون ارتباط دارند سؤال کند که اگر مدیون مطالبه کند، مدیون دین خود را پس می‌دهد یا نه؟ سؤال کند وضع مالی‌اش چطور است؟ گرفتار است یا نه؟ یا از طریق دیگری فحص کند که اگر به جایی نرسید و شک کرد مطالبه واجب است یا نه؟ می‌گوئیم اصل برائت از وجوب مطالبه است.
2. گاهی اوقات فحص به نفس مطالبه است؛ یعنی هیچ راهی ندارد و نمی‌داند وضع مالی‌اش چطور است؟ کسی را هم ندارد اطلاع داشته باشد، او باید مطالبه کند تا ببیند آیا مدیون بذل می‌کند یا نه؟ در اینجا فقیهانی همانند مرحوم سید (که در شک در استطاعت با این که شبهه موضوعیه است، اما فحص را لازم می‌دانند) در اینجا باید مطالبه را واجب بدانند. بنابراین اگر یک جا فحص به نفس مطالبه است و غیر از مطالبه راه دیگری برای فحص وجود ندارد اینجا قطعاً مطالبه واجب است.

دیدگاه محقق خویی (قدس سره)

اگر دائن شک دارد به این که مدیون بذل می‌کند یا نه؟ مرحوم سید فرمود: مطالبه واجب نیست و ما به کلام مرحوم سید طبق مبنای خود ایشان اشکال کرده و گفتیم در اینجا مسئله شک در استطاعت است و در شک در استطاعت خود شما در شبهات موضوعیه می‌گوئید فحص لازم است پس باید فحص انجام شود، جایی هم که فحص به نفس مطالبه است، پس خود مطالبه باید واقع شود.

محقق خویی (قدس سره) پس از ذکر دلیل فتوای سید (قدس سره) (که این شک در استطاعت است و شک در استطاعت موجب شک در تکلیف است و اصل در اینجا برائت است) می‌فرماید: «نعم يستثنى من ذلك ما لو شك في القدرة العقلية المأخوذة في سائر الواجبات المطلقة»؛ ما یک شبهه موضوعیه‌ای داریم که مجرای احتیاط است، در جایی که مکلف شک دارد که قدرت

امثال یک واجبی را دارد یا نه؟ مثل آن که الآن هنگام رسیدن ماه رمضان شما بیمار هستید و دکتر گفته روزه برای شما مضر است که در این صورت روزه برای شما جایز نیست، اما الآن نمی‌دانید که روزه برای شما ضرر دارد یا خیر؟

مثل کسانی که مریض نیستند ولی زمان طولانی در اروپا باید 21 ساعت روزه باشند، انسان نمی‌داند که آیا امروز می‌تواند 21 ساعت را امساک کند یا نه؟ وقتی شک در قدرت پیدا شد هر چند شک در قدرت شک در شرط است؛ زیرا قدرت عقلیه نیز از شرایط تکلیف است و شما می‌گوئید قدرت از شرایط عامه تکلیف است (البته مشهور این را می‌گویند و افرادی مثل امام خمینی (قدس سره) یا مرحوم والد ما این را قبول ندارند و آنها قدرت را شرط نمی‌دانند، بلکه عجز را مانع از امثال می‌دانند)، در این صورت می‌گوئیم اینجا شبهه موضوعیه است، نمی‌دانیم بر این عمل قدرت داریم یا نه؟ پس در اینجا برائت جاری کنیم.

بررسی مسئله شک در قدرت عقلی

مرحوم خوئی می‌گویند: درست است در تمام موارد شبهات موضوعیه یا مواردی که شک در تکلیف می‌کنیم برائت جاری می‌شود، ولی در شک در قدرت عقلیه که نمی‌تواند فحص کند، مجرای احتیاط است (البته این سخن در کلمات مرحوم نائینی آمده و محقق خویی (قدس سره) نیز از ایشان اتخاذ نموده است). ایشان می‌گویند قدرت عقلیه دخیل در ملاک نیست؛ یعنی این عملی که بر شما واجب شده درست است قدرت شرط برای این تکلیف است، اما این دخیل در ملاک نیست؛ یعنی اگر شما عاجز هم بودید قدرت نداشته باشید ملاک آن فعلیت دارد.

در اینجا باید توجه داشت که مسئله خلط نشود؛ یک وقت یقین به عدم قدرت داشته و یک وقت یقین به قدرت دارید که این دو فرض از محل بحث خارج است، اما الآن که شک دارید که آیا قدرت بر امثال یک عمل یا تکلیفی دارید یا نه؟ چون قدرت عقلیه دخیل در ملاک نیست. در شک در قدرت عقلیه مجرای احتیاط است و مجرای برائت نیست. دلیل احتیاط عبارت است از:

1. «الملاک تابع فعلی»، بگوئید چون من شک در این دارم پس انجام ندهم، این سبب می‌شود که شما خودتان به دست خودتان این ملاک را تفویض کنید. پس برای اینکه این ملاک را تفویض نکنید باید احتیاط کرده و شروع به انجام دادن کنید، اگر دیدید موفق به انجام دادن شدید که هیچ و اگر دیدید موفق نیستید و نمی‌توانید انجام بدهید عذر پیدا می‌کنید، ولی نمی‌توانید بگوئید من الآن شک در قدرت دارم، قدرت هم شرط در تکلیف است! در قدرت عقلیه نمی‌تواند چنین حرفی زد.

2. دلیل دوم سیره عقلاست، ما وقتی به سیره عقلا مراجعه می‌کنیم مرتکز در اذهان عقلا این است، الآن اگر مولا به عبدش بگوید این کار را انجام بدهد، عبد انجام نداد و مولا بگوید چرا انجام ندادی؟ بگوید من شک داشتم که می‌توانم انجام بدهم یا نه؟ توبیخش کرده و قبول نمی‌کند. مرحوم خوئی مثال دیگری زده که اگر مولا به عبدش گفت برو بازار و گوشت بخر و او نرود، بگوید من شک داشتم در بازار لحم وجود دارد یا نه؟ این هم یک نوعی از شک در قدرت است. می‌فرماید اینجا مورد مذمت عقلا قرار می‌گیرد و باید فحص کند.^[1]

نتیجه آن که در مواردی که انسان شک در قدرت عقلیه دارد واجب است که فحص کند و ببیند که آیا می‌تواند یا نه. به عنوان مثال، کسی که نمی‌داند روزه ماه رمضان برای او مقدور است یا نه، توانایی دارد یا ندارد، نمی‌تواند بگوید همین مقدار که من شک دارم کافی است! باز باید توجه داشت که بین این مسئله و مسئله خوف ضرر خلط نکنید، اگر احتمال ضرر بدهد باز برایش جایز نیست، ولی می‌گوید من نمی‌دانم ضرر دارد یا نه؟ شاید اصلاً ضرر نداشته باشد. شک داشته باشد در این که آیا می‌تواند روزه بگیرد یا نه؟ باید فحص کند، از دکتر و اطبا سؤال کند که آیا بر من با چنین شرایطی روزه واجب است یا نه؟

ایشان در ادامه می‌فرماید این حرفی که زدیم در شک در قدرت عقلیه است، اما اگر در قدرت شرعیه شک کند، می‌گوئیم فرق

قدرت شرعیه و عقلیه چیست؟ می‌گوید قدرت عقلیه دخیل در ملاک نیست، اما قدرت شرعیه دخیل در ملاک و جزء ملاک است. این در کلمات مرحوم نائینی هم زیاد آمده که در فرق بین قدرت عقلیه و قدرت شرعیه محقق نائینی (قدس سره) می‌گوید: فرق این دو آن است که قدرت عقلیه دخیل در ملاک نیست، اما قدرت شرعیه دخیل در ملاک است، اما به نظر ما تقسیم قدرت عقلی و شرعی اصلاً صحیح نیست. مرحوم خوئی نیز این را قبول کرده و می‌فرماید: اگر کسی در قدرت شرعیه شک کند، «يجوز له الرجوع إلى البرائة، لأن المورد بعد فرض دخل القدرة في الملاك من موارد الشك في التكليف»؛ مورد، شک در تکلیف می‌شود.

بعد می‌فرماید: «و القدرة مأخوذة في الحج المفسرة بالروايات بالزاد و الراحله قدرة شرعية»، مطلب دیگری که محقق خوئی (قدس سره) می‌گویند این که ما فرق قدرت شرعی و عقلی را گفتیم، گفتیم در شک در قدرت عقلی باید احتیاط کرد و در شک در قدرت شرعی باید برائت جاری کرد. حال آیا این استطاعت و قدرتی که در باب حج معتبر است باید دید که قدرت شرعیه است یا عقلیه؟ ایشان می‌گوید قدرت شرعیه است؛ «بمعنى دخلها في الملاك و هي قدرة خاصة مأخوذة في الحج».

ایشان می‌گوید: قدرت شرعیه‌ای که به این معناست و دخیل در ملاک است، «تغایر القدرة الشرعية المصطلحة التي يزاحمها جميع الواجبات المأخوذة فيها القدرة العقلية»، ایشان می‌گوید ما یک بحثی داریم که در تزامن بین قدرت عقلیه و شرعی، بین «المقدور بالقدرة العقلية و المقدور بالقدرة الشرعية»، علماً گفتند مقدور به قدرت عقلیه مقدم است، ولی می‌گویند این قدرت شرعیه‌ای که در باب حج است آن قدرت شرعیه مباحوث در باب مرجحات باب تزامن نیست.

«فإن القدرة الشرعية المأخوذة في الحج بمعناه الخاص»؛ این قدرت شرعیه در اینجا یعنی ملکیت زاد و راحله، «وسط بین القدرة الشرعية المصطلحة و القدرة العقلية المحضه»؛ برزخ بین آن قدرت شرعیه مصطلحه است (یعنی آنچه دخیل در ملاک است) و قدرت عقلیه مصطلحه (یعنی آنچه دخیل در ملاک نیست)، «بمعناه الخاص» یعنی ملکیت زاد و راحله، تخلیه السرب، سلامت بدن، تمکن از رفتن، «و ليس حالها حال القدرة العقلية المأخوذة في سائر الواجبات»؛ این قدرت شرعیه مثل قدرت عقلیه‌ای نیست که مأخوذ در سایر واجبات است.^[2] بنابراین این قدرت شرعیه‌ای که اینجا است حدّ وسط است بین آن قدرت شرعیه مصطلحه و قدرت عقلیه مصطلحه.

ارزیابی دیدگاه محقق خوئی (قدس سره)

به نظر ما این حدّ وسطی که ایشان می‌فرماید بی‌معناست؛ زیرا شرطیت زاد و راحله در حجّ، یا در ملاک دخیل است و یا دخیل نیست. آیا مراد ایشان این است که در باب حج ما هم این قدرت شرعیه مصطلحه را داریم (یعنی زاد و راحله دخیل در ملاک است)، اما یک قدرت عقلیه‌ای هم داریم که توانایی رفتن به حج است، سلامت بدن، که اینها در ملاک دخیل نیست؛ چون به قلم خودشان نیست و تقریرات است مسئله روشن نیست، چه می‌خواهند بفرمایند که این قدرتی که در باب حج است.

به بیان دیگر، ایشان می‌خواهد بگوید این «من استطاع إليه سبيلاً» که در آیه شریفه آمده یک حدّ وسط است بین آن قدرت شرعیه مصطلحه و قدرت عقلیه محضه، حدّ وسط یعنی بگوئیم نسبت به ملکیت زاد و راحله دخیل در ملاک است، نسبت به تمکن از رفتن قدرت عقلیه است، این دخیل در ملاک نیست. به نظر می‌رسد ایشان این را می‌خواهد بگوید وگرنه معنای دیگری برای حدّ وسط وجود ندارد.

طبق مبنای محقق خوئی (قدس سره) آیه شریفه: «و لله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلاً» را نمی‌توان به ملکیت زاد و راحله معنا کنیم، بلکه مراد استطاعت عقلیه است و در روایات داشتن زاد و راحله را نیز اضافه کرده است. تعبیر به «مفسره» نیز طبق مبنای ایشان مقداری مسامحه است، این ملکیت زاد و راحله اضافه شده؛ یعنی طبق نظر ایشان هم استطاعت عقلیه

معتبر است و هم استطاعت شرعيه، لذا استطاعت در حج «وسط بينهما» می شود.

وصلی الله على محمد و آله الطاهرين.

[1] □ «الصورة الرابعة: ما لو شك في البذل له لو طالبه. ذكر المصنف (قدس سره) في آخر المسألة أن الظاهر عدم الوجوب، و هو الصحيح، لأنه يشك في الاستطاعة و هو مساوق للشك في التكليف، و مقتضى الأصل البراءة. نعم، يستثني من ذلك ما لو شك في القدرة العقلية المأخوذة في سائر الواجبات المطلقة، و ليس له الرجوع إلى أصالة البراءة بمجرد الشك في القدرة، بل عليه الفحص، فإن القدرة العقلية غير دخيلة في الملاك، و إذا ترك الواجب مع الشك في القدرة، و كان الوجوب ثابتاً في الواقع فقد فوّت على نفسه الملاك الثابت للواجب و لعل هذا هو المرتكز في أذهان العقلاء، فإن المولى إذا أمر عبده بشراء اللحم مثلاً ليس للعبد تركه معذوراً باحتمال عدم وجود اللحم في السوق، بل عليه الفحص و هذا ممّا لا كلام فيه.» موسوعة الإمام الخوئي؛ ج26، ص 86.

[2] □ «و أمّا لو شك في القدرة الشرعية المأخوذة في الملاك، فيجوز له الرجوع إلى أصالة البراءة، لأنّ المورد بعد فرض دخل القدرة في الملاك من موارد الشك في التكليف و القدرة المأخوذة في الحجّ المفسرة في الروايات بالزاد و الراحلة قدرة شرعية، بمعنى دخلها في الملاك، و هي قدرة خاصة مأخوذة في الحجّ، و القدرة الشرعية بهذا المعنى تغاير القدرة الشرعية المصطلحة التي يزاحمها جميع الواجبات المأخوذة فيها القدرة العقلية، فإن القدرة المأخوذة في الحجّ بمعناها الخاص وسط بين القدرة الشرعية المصطلحة و بين القدرة العقلية المحضة، و ليس حالها حال القدرة العقلية المأخوذة في سائر الواجبات.» موسوعة الإمام الخوئي؛ ج26، ص: 86-87.